خبر و نظر: مسیر ژئوپلتیک ایران، عراق و سوریه: شاهراه اتصال خلیج فارس به مدیترانه

حسن تاش، سید غلامحسین

وزیر نفت اخیرا طی مصاحبه‏ای اظهار داشته است که بر اساس‏ مذاکرات انجام شده با کشور سوریه توافق شده که بخشی از نفت خام‏ ایران از طریق خط لوله‏ای به بنادر مدیترانه‏ای کشور سوریه منتقل و از آنجا به بازار جهانی صادر شود و اشاره نمود که عراق هم باید به این‏ مذاکرات اضافه شود.از آنجا که موضوع مورد اشاره موضوعی مهم و قابل تامل است در سطور زیر به بررسی آن می‏پردازیم:

تنها با نیم نگاهی به نقشه خاورمیانه می‏توان پی برد که مسیر مطرح شده،یعنی مسیر ارتباط بین خلیج فارس و دریای مدیترانه از طریق‏ سه کشور ایران و عراق و سوریه،می‏تواند به عنوان یکی از بهترین مسیرها و شاهراه‏های ارتباطی بین خلیج فارس و مدیترانه مورد توجه قرار گیرد، اما متاسفانه چنین موقعیت ممتازی به دلیل تیرگی روابط ناشی از دخالت‏های‏ استعماری خارجی که در طول تاریخ صد سال گذشته همواره بین این‏ کشورها یا دو به دوی آنها وجود داشته است،هرگز مورد توجه قرار نگرفته. اما با رفع موانع بزرگی همچون حکومت صدام حسین در عراق و تغییر اوضاع و استقرار دولت ملی در این کشور و فروکش کردن سایر موانع‏ سیاسی،اینک چنین موقعیت‏های ژئوپلتیکی می‏تواند مورد توجه قرار گیرد و از چنین موقعیت و فرصتی به نفع سه کشور استفاده شود.

البته در گذشته خط لوله‏ای به طول تقریبی کمتر از 2000 کیلومتر وجود داشته که بخش قابل توجهی از نفت عراق را از منطقه بصره به‏ بنادر مدیترانه‏ای سوریه منتقل می‏کرده و وجود این سابقه مبین اقتصادی‏ بودن این مسیر بوده است.خط لوله مذکور در زمره قدیمی‏ترین خطوط لوله خاور میانه است که در اوایل جنگ ایران و عراق،کشور سوریه این‏ خط لوله را متوقف نمود.البته خط لوله مذکور دچار فرسودگی و هرزروی‏ و نشتی زیادی بود که اگر هم به دلایل سیاسی متوقف نمی‏شد ممکن‏ بود به زودی به دلایل فنی متوقف شود.بعد از جنگ ایران و عراق و متعاقب آن بهبود نسبی روابط عراق و سوریه،بحث بازسازی و نوسازی‏ این خط لوله نیز مطرح شد،مطالعات انجام شده بعدی بر روی مسیر خط لوله مذکور نشان داد که هر چند ممکن است این خط لوله قابل‏ بازسازی نباشد اما استفاده از امتیاز مسیر آن،هزینه‏های احداث یک خط لوله جدید را بسیار کاهش خواهد داد.

قطعا بخشی از نفت خام ایران نیز می‏تواند با طی فاصله بسیار کمی‏ به چنین خط لوله‏ای متصل شود و چنین تصمیمی می‏تواند منافع اقتصادی‏ چنین خط لوله‏ای را مضاعف نماید.هر چه حجم نفت خام بیشتری برای‏ انتقال توسط چنین خط لوله‏ای در اختیار باشد طبیعتا این خط لوله از نظر اقتصادی قابل توجیه‏تر خواهد بود.

اما مساله مهمتر این است که در مورد استفاده از چنین شاهراه‏ ژئوپلتیکی نباید ذهن را به خط لوله محدود نمود و از آنجا که این مسیر، کوتاهترین فاصله‏ای است که دو آب راه بزرگ خلیج فارس و مدیترانه را به‏ هم وصل می‏کند می‏تواند یک مسیر ارتباطی کوتاه و مهم بین آسیا و اروپا باشد و لذا علاوه بر خط لوله،به شاهراه‏های ترانزتی در این مسیر و به خطوط آهن برای تردد قطارهای باری و مسافری نیز می‏توان اندیشید.

چنین مسیرهای ترانزیتی برای هر سه کشور در آمد قابل توجهی‏ خواهد داشت و علاوه بر این مسیر مذکور می‏تواند در تحکیم روابط سه‏ کشور حائز اهمیت باشد.هر چقدر روابط اقتصادی و تجاری و مسیرهای‏ مشترک بین سه کشور توسعه یابد طبعا در تحکیم روابط سیاسی اثرگذار خواهد بود.

جنبه مهم دیگر این مسیر این است که اگر ایران بخشی از نفت‏ خام خود را از این مسیر به بازار جهانی منتقل کند طبیعتا وابستگی ایران‏ به خلیج فارس کاهش پیدا خواهد کرد و متقابلا قدرت مانور ایران در خلیج فارس افزایش خواهد یافت.

از آنجا که طی دهه‏های اخیر قدرت‏های جهانی خلیج فارس را عرصه‏ تاخت و تاز خود کرده و امنیت منطقه را کاهش داده‏اند به نفع ایران و جهان است که مسیر آلتاناتیوی برای امنیت عرضه نفت خام و حتی گاز طبیعی به بازارهای جهانی وجود داشته باشد.

در حال حاضر کشتی‏های نفت کش برای اینکه نفت خلیج فارس را به حوزه مدیترانه برسانند از خلیج فارس،تنگه هرمز،تنگه باب المندب و دریای سرخ عبور کرده و پس از تقبل هزینه‏ها(عوارض)و معطلی‏های‏ عبور از آبراه محدود سوئز،وارد دریای مدیترانه می‏شوند.پیش‏بینی‏های‏ نشان می‏دهد که در سال‏های آینده تقاضای جهانی برای نفت خام خلیج فارس‏ افزایش پیدا خواهد کرد و طبعا مشکلات موجود در این مسیر و تراکم‏ کشتی‏ها نیز بیشتر می‏شود و در این صورت علاوه بر افزایش هزینه‏ها و معطلی‏ها،خطر تشدید آلودگی آب‏های خلیج فارس و دریای سرخ نیز مضاعف خواهد شد،لذا متناسب با اینکه وابستگی دنیا به نفت خلیج فارس‏ بیشتر می‏شود لازم است که مسیرهای آلترناتیو برای انتقال این نفت به‏ بازارهای جهانی نیز مورد توجه قرار گرفته و توسعه یابد و مسیر مورد بحث از این جهت نیز حائز اهمیت خواهد بود.

امیدواریم مذاکرات مهم مورد اشاره وزیر نفت،بین سه کشور عراق‏ و ایران و سوریه با توجه به استقرار حکومت جدید و مردمی‏تر در عراق‏ به طور جدی مورد پیگیری قرار گیرد و از این طریق بتوان ضمن استفاده‏ از ابعاد ژئواکونومیک و ژئوپلتیک این مسیر،روابط سه کشور را نیز استحکام بیشتری بخشید.